



کوچه‌های تاج آباد با تابلوهایی آبی رنگ به نام مشاهیر یا کتاب‌های ادبیات ایران و جهان نام‌گذاری شده است



نام معابر روستای تاج آباد نشان می‌دهد که مردمی فرهنگ دوست و کتابخوان دارد
تابلوها به سه زبان فارسی، کردی و لاتین طراحی شده است



آن خیابان یا کوچه نام مناسب انتخاب شد، گاهی برای هر گذر یا خیابان چند نام مطرح می‌شد که در نهایت رأی گیری نام‌نهایی را مشخص می‌کرد». حالا در تاج‌آباد از هر قرن و سرزمینی نشانی می‌توان یافت. اینجا قصه و داستان، افسانه و شعر، فلسفه و منطق جریان دارد و سورئالیست‌ها دنیای کهن را به جهان مدرن گره می‌زنند. قباد از سرانه مطالعه در روستا سخن می‌گوید و یادآور می‌شود: «سرانه کتاب‌خوانی در روستای ما با سراسر ایران متفاوت است، البته سنت کتاب‌خوانی تنها به این نسل ختم نمی‌شود، بلکه میراثی است که از گذشته‌ها به امروز رسیده و با حفظ این دارایی بزرگ آن را برای آیندگان مهیا کرده‌ایم».

به گفته او ۳۰ معبر روستا به نام این آثار درخشان نام‌گذاری شده و عبور از هر کوچه و خیابان انگار آدمی را از هر کتاب به کتاب دیگر می‌برد، گاهی در عاشقانه‌های شاعران ایرانی غرق می‌شوی و اثری از قرن بیستم یافت می‌شود تا تورا بیرون بکشد.

● کوچه‌ها شعر می‌خوانند

کوچه به کوچه روستا که پیش می‌روم، حتماً یک نفر پیدایم شود بابتی از شاهنامه از شامیزبانی کند. داستانی یا نقلی از فردوسی بگوید و عشق را معنا کند. دیگر می‌توان به آخر روستا رسید، اما مسیر سبز چنان پایان بازی برای قصه تاج‌آباد رقم زده، که تا چشم کار می‌کند دشت است و رهایی تا برسد به آغاز داستانی دیگر.

تاج‌آباد سرزمینی است وسیع که کوچه‌ها و خیابان‌هایش به زبان شاعران و نویسندگان بزرگ ایران و جهان سخن می‌گویند. اینجا جریان سیال نور پیداست و ذرات هوا همه متبلور شدند و صدای خش خش ورق زدن کتاب در همه کوچه‌ها به گوش می‌رسد. تاج‌آباد داستانی است که انتها ندارد و هر کوچه می‌تواند برگی از تاریخ اندیشه جهان باشد و یادگاری برای تمامی اعصار و قرون.

البته این پایان ماجرا نیست، قباد و اهالی کتابخوان روستای تاج‌آباد، هنوز در اندیشه و تفکر هستند و به بالندگی بیشتر زادگاهشان می‌اندیشند.



سخت نیست که حدس بزنم برای رسیدن به رودخانه از کدام کوچه باید گذر کرد، بله! «دن آرام» مرا به رودخانه می‌برد تا شاید با ماهی گیری، پری دریایی شکار کنم. برای پرواز هم کار چندان دشواری پیش رو ندارم «شازده کوچولو» یا به قول اهالی روستا «شازاده بچکولانه»، با آن هواپیمای کوچکش آماده است برای پرواز بر فراز روستا مرا سوار کند و از آن جمله‌های قلمبه سلمبه‌اش تحویلم دهد.

قباد معتقد است این اتفاق تنها برای جلب توجه گردشگران به روستا نیست و بیان می‌کند: «وقتی نام خیابان و یا کوچه محل زندگی به اسم یک اثر فاخر باشد، حداقل به دنبال آن می‌روی که چند صفحه‌ای را بخوانی، بنابراین همین کافی است تا شما را با کتاب ایام کند».

● کمانچه کلهر کنار شعر رودکی

پس از بزرگان شعر، ادب و فلسفه، به کوچه‌ای می‌رسید که صدای چنگ و ساز می‌آید، «کلهر» با سازش منتظر شماسست و چند قدم جلوتر رودکی چشم دلتان را با چنگ و شعر روشن می‌کند. البته کوی و برزن تاج‌آباد از یاد خدا غافل نمی‌شوند؛ گاهی با «مناجات‌نامه» خواجه عبدالله انصاری می‌توان گوشه‌ای دنج را یافت و مشغول شد و گره‌ای را باز کرد. به کوچه مناجات‌نامه که برسیم ناخودآگاه سر به آسمان بلند می‌کنیم و گپ و گفت با خدا شروع می‌شود و با یک چشم بر هم زدنی به ناگاه کوچه به آخر می‌رسد.

گهگاهی با کوچه‌های روستا به دنیای مدرن بازمی‌گردیم باید اینترنت گوشی را روشن کنیم؛ چرا که نام آن کوچه و خیابان را نمی‌دانیم. این اتفاق برای من زمانی افتاد که به کوچه «آسترید لیندگرن» رسیدم، نویسنده نامدار سوئدی که تاکنون نمی‌دانستم یکی از پادشاهان بی‌چون و چرای ادبیات کودکان در جهان است. قباد می‌گوید: «چندبار سفیر سوئد در تهران خواسته است که به روستا سفر کند، اما هنوز محقق نشده است».

اینجا گردشگری با آموزش عجین است، ولع کتابخوان‌ها به شدت برانگیخته می‌شود و آن‌هایی که شاید اهل کتاب نباشند، تشنه فهمیدن می‌شوند. عضو شورای اسلامی روستای تاج‌آباد می‌گوید: «برای هر کوچه و خیابان رأی گیری شد و به فراخور کاربری

**گهگاهی با کوچه‌های
روستا به دنیای مدرن
باز می‌گردیم باید
اینترنت گوشی را
روشن کنیم؛ چرا که
نام آن کوچه و خیابان
را نمی‌دانیم**